

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه شصت و ششم 1396/12/06

### آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (32) – مبانی فکری وهابیت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

در رابطه با مبانی فکری و زیر بنایی اعتقادی وهابیون عرض شد افزون بر آن چه که مبانی اعتقادی احمد ابن حنبل را دارند دو تا مسئله را اضافه کردند یکی اهانت به اهل بیت علیهم السلام و دفاع از بنی امیه خذلهم الله تعالی ولعنهم الله بود و دیگری تکفیر فرق اسلامی بود و همان طوری که یهود می گفتند:

(لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا)

سوره بقره، (2): آیه 111

این ها هم معتقد هستند:

«لايدخل الجنة الا من كان وهابياً!»

غیر از ما همه جزء فرق باطله هستند آقای دکتر گریمه از اساتید فقه مقارن دانشگاه الأزهر است که ما دو سه جلسه ای حضوراً با ایشان جلسه داشتیم . در مواجهه با وهابیت هم خیلی بی پرده حرف می زند. ایشان در یکی از مصاحبه هایش می گوید سلفی ها، اشاعره را قبول ندارند.

«ولا يتعایشون معهم بل إن السلفية اخرجت نفسها من اهل السنة»

سلفی‌ها، خودشان را از اهل سنت بیرون آوردند و دلیلش هم این است که در موسوعه‌ای که در ریاض تحت عنوان موسوعة المذاهب والادیان المعاصره چاپ شده است، نامی از اشاعره در بین اهل سنت نیاوردند! بلکه انحصاراً تفکر سلفی و دعوت محمد ابن عبدالوهاب را به عنوان موسوعه مذاهب و ادیان معاصر آوردند و حتی در این موسوعه ابوالحسن اشعری را تکفیر کردند.

تا آن جایی که می‌گوید:

«الوهابية حرفت النصوص القرآنية»

وهابی‌ها، نصوص قرآنی را تحریف کردند به طوری که ابن تیمیه 700 سال بعد از رحلت پیغمبر صلی الله علیه وآله يك تقسیم ثلاثی کرد

«وهذا ليس من القرآن والسنة وابن قيم له قصيدة اسمها النونية وكلها تجسيد لله كما اسكن الله عز وجل السماء وابن باز ومن اعتقد أن الله ليس لها مكان ولا زمان مثل الاشعري فهو ضال و كافر»

...اگر کسی معتقد به جسمانیت خدای عالم نباشد ضال و کافر است

«وهو بذلك يكفر الازهر نفسه وهذا امر محير»

این‌ها الازهر را با این کارشان تکفیر کردند چون الازهری‌ها، معتقد به تجسیم خدا نیستند بلکه وهابیت آتشِ حقد و کینه را بر روی الازهر و شیخ الازهر باز کردند.

این‌ها نسبت به زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه وآله اهانت می‌کنند و معالم و نشانه‌های اهل بیت علیهم السلام را نابود می‌کنند تا آن جا که می‌گوید:

«لايوجد مسلمٌ على وجه الارض لم تكفره الوهابية»

مسلمانی در کره زمین پیدا نمی‌شود که وهابی‌ها او را تکفیر نکرده باشند!

آقای کریمه نه شیعه و نه تابع شیعه است بلکه موضع گیری‌های ضد شیعه هم دارد ایشان می‌گویند وهابیت بنای اساسی‌شان تکفیر تمام مسلمان‌ها است و کاری به شیعه و یا به سنی ندارد.

آقای غنیمان عضو پنج نفری است که هیئت عالی افتاء عربستان سعودی را دارد، در رأس آن مفتی اعظم است و در دانشگاه مدینه هم رئیس بخش دراسات عالییه است، ایشان تعبیرش این است

«وقد انتسب إلى الأشعري أكثر العالم الإسلامي اليوم من أتباع المذاهب الأربعة»

شرح کتاب التوحید من صحیح البخاری - الغنیمان - (ج 1 / ص 23)

امروز تابعین مذاهب چهارگانه اهل سنت اکثریت عالم اسلامی منتسب به ابوالحسن اشعری هستند و ایشان می‌گویند علمای اسلام حتماً ناگزیر هستند با این گروه منحرف مناظره کنند علیه آن‌ها کتاب تألیف کنند با برهان عقلی و نقلی علیه این‌ها استدلال کنند

«وقد يصل الأمر أحياناً إلى شهر السلاح»

چه بسا اگر اسلحه هم بر دارند و به قتل این‌ها اقدام بکنند در بعضی از موارد نیاز است. صراحت دارد که باید مقاومت کرد ولو این‌که به شمشیر کشیدن و اسلحه کشیدن باشد.

پرسش:

آیا وهابی‌ها براهین عقلی را قبول دارند؟

پاسخ:

برهان را در این حد قبول دارند این‌ها عقلیات فلسفی را قبول ندارند ولی این‌که یک استدلالی بکنند این آب است و هر آب تر است پس این تر است در این حد قبول دارند. ضروریاتی که زنان پیر و بچه‌های خردسال می‌فهمند در این حد قبول دارند بلکه خودشان را اَعْقَل علما می‌دانند همان‌طوری که در رابطه با منافقین در اول سوره بقره است که این‌ها درباره خودشان می‌گویند

(إِنَّمَا نَحْنُ مُضِلُّونَ)

سوره بقره (2): آیه 11

اصلاح‌گر واقعی ما هستیم و دیگر مسلمان‌ها مفسد هستند. وهابیت هم همین‌گونه هستند.

پرسش:

استادا! سوال برایم مطرح نشده آیا وهابیت ارتباط تنگاتنگی با بحث‌های ابن تیمیه دارد یا با بعضی از حرف‌های ابن تیمیه قبول دارند.

پاسخ:

من تا به حال ندیدم این‌ها نقدی نسبت به ابن تیمیه داشته باشند کوچک‌ترین نقدی به افکار ابن تیمیه ندارند

پرسش:

عقاید این‌ها در واقع به طور مستقیم از ابن تیمیه و قبلش ابن حنبل گرفته شده یا کلاً یک چیز جدا بافته‌ایی هستند؟

پاسخ:

من در این جا آورده‌ام سلفی‌ها سه مرحله دارند یک مرحله تأسیس و افکار و رؤیتی که پیش‌تازشان احمد ابن حنبل بوده است. مرحله دوم مرحله تجدید و گسترش است در این جا رهبرشان ابن تیمیه بوده است. مرحله سوم تجدید نظر و تطبیق که رهبرشان محمد ابن عبدالوهاب بوده است. مرحله تأسیس، مرحله تجدید و گسترش، مرحله تجدید و تطبیق این سه مرحله را وهابیت داشته‌اند.

این‌ها عمدتاً در هر سه مرحله، یک اصول مسلمی دارند که هر سه بر آن معتقد هستند و یک سری اضافاتی را ابن تیمیه کرده و گسترش داده و یک سری مطالبی را محمد ابن عبدالوهاب آورده با خارج انطباق کرده است.

یعنی آنچه را که ابن تیمیه گسترش داده بود این گسترش فکری و نظری بود محمد ابن عبدالوهاب آمد برای فکر و نظر ابن تیمیه مصداق معین کرد.

ابن تیمیه گفت که هرگونه توسل به انبیاء و اولیاء کفر است محمد ابن عبدالوهاب گفت این مسلمان‌هایی که کنار قبر زید ابن الخطاب برادر عمر ابن الخطاب می‌آیند این مصداق همان حرفی است که ابن تیمیه زده است. این‌که مسلمان‌ها می‌آیند و به اولیاء الله متوسل می‌شوند همان مصداق تکفیری است که ابن تیمیه گفته بود و قتل‌شان واجب است این‌که بنای بر قبور کفر و بدعت است ابن تیمیه گفته بود همین است که در کربلای معلی و نجف و مدینه و امثال این انجام شده است.

لذا آنچه که محرز و مسلم است اینکه مصداقی را محمد ابن عبدالوهاب بیان کرد و نظریات فکری ابن تیمیه را با مصداق‌های خارجی انطباق داد.

**پرسش:**

احمد ابن حنبل ظاهراً با این همه گسترش موافق نیست.

پاسخ:

عرض کردم مؤسس احمد ابن حنبل بوده، آمد تفکر اعتزال را کنار زد، تفکر اشاعره را کنار زد تفکر ماتریدی را کنار زد یک تفکر جدید بنیانگذاری کرد که از او به اهل حدیث تعبیر می‌کنند

پرسش:

اگر بر همان اساس جلو می‌رفتند ایرادی نبود؟

پاسخ:

نه اگر به همان شکل بود ما مشکلی نداشتیم احمد ابن حنبل نظریات علمی داشتند همان طوری که ابوالحسن اشعری، در برابر واصل ابن عطاء معتزلی اختلافات فکری داشت. این‌ها هیچ درگیری در خارج نداشتند. ابو منصور ماتریدی اختلاف فکری و علمی داشت با مسائل علمی این‌ها به هیچ وجه همدیگر را تکفیر نمی‌کردند.

ابوالحسن اشعری، آخرین روزی که داشت از دنیا می‌رفت همه را جمع کرد گفت شاهد و آگاه باشید که من هیچ یک از اهل قبله را تکفیر نمی‌کنم، این هم نکته مهمی است که عزیزان در ذهن‌شان داشته باشند.

مقالات اسلامیین که برای ابوالحسن اشعری است

«اختلف المسلمون بعد نبیهم صلی الله علیه وسلم فی اشیاء ضلل بعضهم بعضا، وبراء بعضهم من بعض فصاروا

فرقا متباینین واحزابا متشتتین الا أن الاسلام یجمعهم ویشتمل علیهم»

مقالات اسلامیین ج 1، ص 6، ابو الحسن اشعری

راوی می‌گوید وقتی خواست از دنیا برود شاگردش گفت:

«امرني بجمع اصحابه فجمعتهم له»

همه شاگردان و طرفدارانش را جمع کرد

« فقال: اشهدوا علي أنني لا أكفر أحداً من أهل القبلة بذنب»

من هیچ یک از اهل قبله را به خاطر گناهان شان تکفیر نمی‌کنم.

چرا؟

« لأنني رأيتهم كلهم يشيرون إلى معبود واحد والإسلام يشملهم ويعمهم»

این خیلی واضح و روشن است.

یا مثلاً شبکی می‌گوید:

«إن الاقدام على تكفير المؤمنين عسر جدا، وكل من كان في قلبه إيمان يستعظم القول بتكفير أهل الأهواء

والبدع مع قولهم لا اله الا الله، محمد رسول الله، فان التكفير امر هائل عظيم الخطر»

البته بنیانگذار تکفیر از همان دوران خلیفه اول آغاز شد. ما قبلاً هم مفصل بحث کردیم که بنیانگذار قضیه

تکفیر مسلمان‌ها و وجوب قتل مسلمان‌ها شخص خلیفه اول بوده است این دیگر رو در بایستی ندارد مسئله

باید روشن بشود.

کسانی که به او زکات نمی‌دادند و زکات ندادند ، اعلام کردند که همه کافر هستند اول معترض به ابوبکر هم

خلیفه دوم بود.

گفت چطور داری این‌ها را تکفیر می‌کنی و حال آن‌که این‌ها اهل نماز و روزه و اهل حج هستند؟

خشت اول گر نهد معمار کج / تا ثریا می‌رود دیوار کج

این‌ها واضح و روشن است که ما یک مقداری فریب تقریب و وحدت را می‌خوریم خیلی از حقایق را نمی‌خواهیم بیان کنیم و این خیانت است، باید حداقل نسل جوان ما روشن بشود. فحش دادن، توهین کردن، اهانت کردن خلاف شرع است در آن هیچ شکی نیست. اگر ما در بالای منبر، جلسات منبر، در شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های مجازی حرف‌های چارواداری بزنیم قطعاً حرام است. ولی این‌که بیاییم واقعیات را از منابع معتبرشان بیان بکنیم به نظر من این از اوجب واجبات است.

بعضی وقت‌ها بچه شیعه‌های ما حقایق تاریخی را نمی‌دانند و در جریان نیستند خیلی از جوان‌های اهل سنت روشن نیستند این‌ها را برای‌شان مطرح نمی‌کنند این‌ها را ما باید برای مردم روشن کنیم و وظیفه ما است. من معتقد هستم باید یک کمپینی، یک کانال‌هایی و ... در فضای مجازی تحت عنوان روشنگری باز بشود نه افشاگری بین روشنگری و افشاگری فرق است.

افشاگری یعنی آبرو و حیثیت طرف مقابل را بردن، هتک حرمت کردن روشنگری، حقایق را بیان کردن است این حقایق باید روشن بشود خیلی وقت‌ها حتی علمای اهل سنت با ما دیدار می‌کنند می‌گویند فلانی این چیزهایی که از کتاب‌های ما مطرح می‌کنید ما در عمرمان این را ندیده بودیم.

حتی در خیلی از مسائل جزئی الان یکی از اساسی‌ترین بحث‌ها در مورد شبهاتی که مطرح است آن طوری که به ذهنم می‌رسد یکی از شبهات زیربنایی و اساسی که اگر ما حتی 5 سال هم درباره‌اش بحث کنیم ارزش دارد، بحث صحابه است. آنها می‌گویند شیعه دشمن صحابه است، شیعه به روایات صحابه عمل نمی‌کند، شیعه با سنت پیغمبر عداوت دارد! این را در حقیقت می‌شود گفت فندانسیون و ریشه تمام حمله‌ها و سوء ظن‌ها به طرف شیعه است.

من ندیدم بزرگان ما در این زمینه توقف خوبی کرده باشند شاید اولین بار ما در جلد اول نقد اصول مذهب شیعه آوردیم ولی خیلی مختصر رد شدیم.



این‌ها می‌گویند چرا شیعه به روایاتی که از طریق صحابه آمده است عمل نمی‌کند ما علناً داریم اعلان می‌کنیم  
ما به روایات کل صحابه عمل نمی‌کنیم و برای خودمان هم دلیل داریم.

یک: پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي»

الطبقات الكبرى ج 2 ص 194 اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصري الزهري الوفاة:

230 ، دار النشر : دار صادر - بيروت

نگفت:

«كتاب الله واصحابي»

دو: اگر عدالت یک صحابی برای ما محرز شود، صحابه مثل دیگر روات برای ما هستند نه کل صحابه را کفار  
فساق می‌گوییم نه می‌گوییم کلهم عدول من اهل الجنة.

ما نسبت به صحابه ائمه چه نظری داریم؟ به اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام چه نظری داریم؟ به اصحاب  
امام صادق علیه السلام چه نظری داریم؟ مثل همان نظر را به اصحاب پیغمبر داریم.

«كل من ثبت عدالته و وثاقته»

عمل به روایتش می‌کنیم

«كل من ثبت فسقه وكذبه»

روایتش را رد می‌کنیم اگر از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام صد تا دویست تا پانصد برای ما فسقش  
ثابت شد به روایتش عمل نکردیم آیا توهین به امیر المؤمنین علیه السلام کردیم؟ آیا این اهانت به امیر

المؤمنين است؟ به روایت تعدادی از اصحاب امام صادق علیه السلام ما عمل نمی‌کنیم آیا این‌ها توهین به امام صادق است؟ نه!

نسبت به رسول اکرم صلی الله علیه وآله هم، به همین شکل است. اگر ما به بعضی از روایات صحابه عمل نمی‌کنیم چون وثاقتشان برای ما محرز نیست و آنها را معصوم نمی‌دانیم. چهارده نور پاک را معصوم می‌دانیم و بس! ولی اگر یک صحابی باشد، چه صحابی رسول اکرم صلی الله علیه وآله و سلم و چه صحابی امیر المؤمنین علیه السلام برای ما فرقی نمی‌کند.

عدالت و وثاقتش برای ما ثابت شد روایتش را می‌بوسیم و روی چشم‌مان می‌گذاریم و عمل هم می‌کنیم.

مرحوم شیخ طوسی در رجالش چه تعدادی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله آورده و این‌ها را توثیق کرده آمار را دادیم نزدیک به 400-500 تا از روایت را توثیق کرده شما چقدر از صحابه پیغمبر دارید که از آن‌ها روایت نقل کردید؟

شما آمار می‌دهید پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم 120 هزار صحابه داشته است. آقا! سمعاً و طاعتاً چشم! این 120 هزار صحابه پیغمبر در کدام دائرة المعارف اسم‌شان آمده است؟

می‌گویند اسم‌شان را نمی‌دانیم! چند نفر اسم‌شان آمده؟ ابن حجر خودش را به زحمت انداخته آن‌هایی که بچه بودند پیغمبر از دنیا رفتند و پیغمبر را هم ندیدند در شکم مادرشان هم بودند معاصر پیغمبر بودند بعد از رحلت پیغمبر به دنیا آمدند را هم جزو صحابی آورده است.

مجموع این‌ها 10 هزار راوی شده است. حال از این 10 هزار راوی چند راوی روایت دارند؟ 1000 تا! یعنی 1000 تا و منهای یکی، کل روایاتی که از صحابه دارند چقدر است؟ من یک بحثی را تنظیم کردم ان شاء الله می‌آورم ببینید که این قضیه از چه قرار است!

شما ببینید در کتاب «اسماء الصحابه و ما لكل واحدٍ منهم العدد» ابن حزم اندلسی این کتاب را نوشته است ایشان می‌آورد پیغمبر صلی الله علیه و واله و سلم که از دنیا رفت 114 هزار صحابه داشت.

از همه بیشتر ابو هریره روایت دارد. چقدر؟ 5374 روایت دارد بعد می‌گوید کسانی که بالای 2 هزار روایت دارند عبدالله عمر و انس ابن مالک و عایشه 3 نفر بالای 2 هزار روایت دارند.

دقت کنید؛ 3 نفر از صحابه هستند که بین 1000 تا 2000 روایت دارند

اصحاب المأتین 11 نفر صحابی ما داریم که بین 200 تا 1000 روایت دارند. فقط 11 نفر هستند که یکی از آنها هم علی ابن ابیطالب سلام الله علیه است علی ابن ابیطالب سومی است 537 روایت، 20 تا صحابی داریم 100 تا روایت دارند 120 صحابی داریم فقط 2 تا روایت دارند. 445 صحابی داریم فقط یک روایت نقل کردند.

445 به اضافه 120 می‌شود 565. 565 از 1000 تا صحابی دو یا یک روایت دارند ما می‌خواهیم احکامان را بگیریم از کجا بگیریم؟ اینها بحث‌هایی است که باید یک مقداری روشن بشود و اضافه بر این که صحابه می‌گویند ما هیچ چیزی نمی‌دانیم خودشان می‌گویند ما به روایات نا آگاه هستیم.

ان شاء الله مفصل این بحث را در جلسات آینده مطرح خواهیم کرد، که اصلاً خود صحابه همدیگر را تفسیق می‌کنند تکذیب می‌کنند تکفیر می‌کنند و چیزهایی که آقایان آوردند از جهل خود خلفاء بر احکام است.

ابن حزم اندلسی و دیگران یک طوماری از جهل ابوبکر به احکام، جهل عمر، جهل عثمان درست کرده اند. اصلاً یک غوغایی بین خودشان است اینها به هیچ وجه مطرح نمی‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته